

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Criminal Responsibility in Child Marriage: The Role of Parents and Intermediaries

Mohammad Reza Mohammadi¹, Hossein Yarahmadi^{*2}

1. Master's student, Department of Criminal Law and Criminology, Faran Mehr Danesh Institute of Higher Education, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Amin University of Law Enforcement Sciences, Tehran, Iran.

* Corresponding Author's Email: yarahmadi.hossein@gmail.com

ABSTRACT

Child marriage is one of the most complex socio-legal issues, with deeply adverse effects on the rights and physical and psychological well-being of children. This phenomenon often results from intricate interactions among legal frameworks, social and cultural norms, economic conditions, and the influence of parents. The aim of this study is to examine the criminal responsibility of parents and intermediaries involved in child marriage. Accordingly, this article employs an interpretive-analytical method to explore the subject. Findings indicate that reducing the incidence of child marriage requires a comprehensive and multifaceted approach that simultaneously addresses legal reform, public education, and cultural transformation. Existing laws must be revised to raise the legal age of marriage to a level at which children are mentally and psychologically prepared to assume the responsibilities of marriage. In this context, all legal exceptions that permit the marriage of children must be eliminated, and stricter penalties must be enacted for those who participate in this process. Moreover, it is essential to design educational programs for parents and judicial authorities to raise their awareness of the harms caused by child marriage and the rights of children. In parallel, promoting a culture of respect for children's rights and establishing positive models of marriage at older ages can significantly influence cultural attitudes toward early marriage. Finally, collaboration with non-governmental organizations and the development of vocational skills for both girls and boys can help prevent early marriages and prepare young individuals for an independent future based on informed personal choices.

Keywords: *child marriage, criminal responsibility, parents, intermediaries.*

How to cite: Mohammadi, M. R., & Yarahmadi, H. (2024). Criminal Responsibility in Child Marriage: The Role of Parents and Intermediaries. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 2(3), 116-133.



تاریخ ارسال: ۲۱ شهریور ۱۴۰۳
تاریخ بازنگری: ۵ آبان ۱۴۰۳
تاریخ پذیرش: ۱۹ آبان ۱۴۰۳
تاریخ چاپ: ۲۹ آبان ۱۴۰۳

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

مسئولیت کیفری در کودک همسری: نقش والدین و واسطه‌ها

محمدرضا محمدی^۱، حسین یاراحمدی^{۲*}

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، موسسه آموزش عالی فاران مهر دانش، تهران، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، دانشگاه جامع علوم انتظامی امین، تهران، ایران.

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: yarahmadi.hossein@gmail.com

چکیده

کودک همسری یکی از مسائل اجتماعی و حقوقی پیچیده‌ای است که تأثیرات منفی عمیقی بر حقوق و سلامت روانی و جسمی کودکان دارد. این پدیده اغلب نتیجه تعاملات پیچیده‌ای میان چارچوب‌های قانونی، فرهنگ‌های اجتماعی، وضعیت اقتصادی و نفوذ والدین است. هدف از این پژوهش بررسی مسئولیت کیفری والدین و واسطه‌ها در کودک همسری است. براین مبنا این نوشتار با روش تفسیری تحلیلی، این موضوع را بررسی کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که کاهش وقوع کودک همسری نیازمند رویکردی جامع و چندجانبه است که به‌طور همزمان به تغییرات قانونی، آموزش عمومی و فرهنگ‌سازی توجه داشته باشد. قوانین موجود باید بازنگری شوند تا سن قانونی ازدواج به حدی افزایش یابد که کودکان از نظر فکری و روانی آماده پذیرش مسئولیت‌های ازدواج باشند. در این راستا، تمامی استثنائات قانونی که اجازه ازدواج کودکان را می‌دهند باید حذف شوند و مجازات‌های شدیدتری برای کسانی که در این فرآیند دخیل هستند، وضع گردد. علاوه بر این، ضرورت دارد که برنامه‌های آموزشی برای والدین و مقامات قضائی طراحی شود تا آن‌ها نسبت به آسیب‌های ناشی از ازدواج کودکان و حقوق کودکان آگاه شوند. از سوی دیگر، ترویج فرهنگ احترام به حقوق کودک و ایجاد الگوهای مثبت ازدواج در سنین بالاتر می‌تواند تأثیر زیادی در تغییر نگرش‌های فرهنگی نسبت به ازدواج زودهنگام داشته باشد. در نهایت، همکاری با سازمان‌های غیردولتی و تقویت مهارت‌های شغلی برای دختران و پسران می‌تواند به جلوگیری از ازدواج‌های زودهنگام کمک کند و آنان را برای آینده‌ای مستقل و مبتنی بر انتخاب‌های آگاهانه آماده سازد.

کلیدواژگان: کودک همسری، مسئولیت کیفری، والدین، واسطه‌ها

کودک‌همسری به عنوان یکی از مصادیق نقض حقوق کودکان، چالشی جدی در جوامع معاصر به شمار می‌رود که با پیامدهای جبران‌ناپذیر جسمی، روانی و اجتماعی همراه است. این پدیده، که اغلب تحت تأثیر عواملی نظیر فقر، باورهای فرهنگی و ناآگاهی حقوقی رخ می‌دهد، نه تنها به حقوق اولیه کودکان آسیب می‌زند، بلکه بنیان‌های توسعه پایدار جامعه را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. علی‌رغم تلاش‌های ملی و بین‌المللی برای مقابله با این معضل، کودک‌همسری همچنان در بسیاری از کشورها، از جمله ایران، شایع است. در این میان، نقش والدین و واسطه‌ها به عنوان تسهیل‌کنندگان یا بازدارندگان اصلی در این فرآیند، اهمیتی دوچندان دارد. تحلیل دقیق مسئولیت کیفری والدین و واسطه‌ها، به ویژه در بسترهای قانونی، اجتماعی و فرهنگی، می‌تواند راهگشای تدوین و اجرای سیاست‌های موثرتر در این زمینه باشد. کودک‌همسری اغلب با اجبار، ناآگاهی و نادیده گرفتن منافع کودک همراه است. والدین به عنوان تصمیم‌گیرندگان اصلی در بسیاری از موارد، یا به دلیل فشارهای اجتماعی و اقتصادی، و یا از سر ناآگاهی، کودکان خود را وارد ازدواج‌هایی می‌کنند که پیامدهای منفی گسترده‌ای به دنبال دارد (Abdollahi & Takieh Khah, 2023). علاوه بر والدین، واسطه‌هایی نظیر دلالان ازدواج یا نهادهای مذهبی نیز در تسهیل این پدیده نقش دارند و با سوءاستفاده از خلاءهای قانونی، بر شدت این معضل می‌افزایند. با وجود تعیین حداقل سن قانونی برای ازدواج در ایران، انعطاف‌پذیری‌هایی که در قوانین وجود دارد، زمینه‌ساز سوءاستفاده و ترویج این پدیده شده است (Zakerhossein, 2022). چالش اساسی دیگر، نبود قوانین جامع و اجرای ضعیف آن‌هاست که به والدین و واسطه‌ها اجازه می‌دهد بدون مواجهه با پیامدهای جدی، کودکان را وادار به ازدواج کنند. در بسیاری از موارد، این ازدواج‌ها منجر به ترک تحصیل، فقر، سوءاستفاده‌های جسمی و

روانی و در نهایت نقض آشکار حقوق کودک می‌شود (Ashrafikia & Gaharnia, 2018). واسطه‌هایی که به صورت فردی یا شبکه‌ای در ترویج کودک‌همسری فعالیت می‌کنند نیز نیازمند تحلیل دقیق و شفاف‌سازی مسئولیت کیفری هستند (Agatha et al., 2024). این تحقیق از سه منظر حقوقی، اجتماعی و فرهنگی اهمیت دارد؛ از منظر حقوقی تحلیل مسئولیت کیفری والدین و واسطه‌ها در کودک‌همسری می‌تواند نقش بازدارنده‌ای ایفا کند و به اصلاح و تدوین قوانین جامع‌تر برای حمایت از حقوق کودکان کمک کند. بسیاری از مطالعات نشان داده‌اند که قوانین موجود به دلیل نبود ضمانت اجرایی یا شفافیت کافی، قادر به مقابله موثر با این پدیده نیستند (Najafi Abrandabadi et al., 2009). از منظر اجتماعی کودک‌همسری پیامدهای گسترده‌ای از جمله ترک تحصیل، بیکاری، آسیب‌های روانی و حتی چرخه فقر را در پی دارد. این تحقیق می‌تواند با شناسایی عوامل موثر بر این پدیده و ارائه راهکارهای عملی، به سیاست‌گذاران کمک کند تا راهبردهای جامع‌تری برای پیشگیری از کودک‌همسری طراحی کنند (Hibertus, 2023) و نهایتاً از منظر فرهنگی در بسیاری از جوامع، باورهای سنتی و مذهبی توجیه‌کننده کودک‌همسری هستند. بررسی دقیق این باورها و تبیین مرز میان ارزش‌های فرهنگی و نقض حقوق کودک، می‌تواند به تغییر نگرش عمومی و افزایش آگاهی اجتماعی کمک کند (Syarifuddin & Ida, 2023). بنابراین، این تحقیق تلاش می‌کند تا با بهره‌گیری از منابع معتبر داخلی و خارجی، ابعاد مختلف مسئولیت کیفری والدین و واسطه‌ها در کودک‌همسری را بررسی کرده و با ارائه پیشنهادهایی عملی، به کاهش این پدیده و حمایت بهتر از حقوق کودکان کمک کند.

سوابق تحقیق

تحقیقات متعددی در زمینه کودک‌همسری و مسئولیت کیفری والدین و واسطه‌ها انجام شده است که به درک بهتر این پدیده و ارائه راهکارهای عملی برای مقابله با آن کمک کرده‌اند. عبداللهی و تکیه‌خواه (1402) در مطالعه‌ای جامع، به بررسی مسئولیت کیفری والدین در موارد بی‌توجهی به حقوق کودکان پرداخته و نشان داده‌اند که ناآگاهی و ضعف قانونی از عوامل اصلی تداوم این پدیده هستند. این پژوهش، نگاهی انتقادی به خلاهای موجود در قوانین ایران دارد و راهکارهایی برای افزایش شفافیت و کارایی ارائه می‌دهد (Abdollahi & Takieh Khah, 2023).

ذاکر حسین (1401) در مقاله‌ای دیگر، به تحلیل حمایت قانونی از کودکان بزه‌دیده در نظام کیفری بین‌المللی پرداخته و نقش واسطه‌ها در تسهیل کودک‌همسری را مورد بررسی قرار داده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که قوانین موجود نه تنها از انسجام کافی برخوردار نیستند، بلکه در بسیاری موارد قابلیت اجرای عملی نیز ندارند (Zakerhossein, 2022). مطالعه دیگری توسط نجفی ابرندآبادی و همکاران (1388) انجام شده است که در آن حمایت کیفری از کودکان در برابر سوءاستفاده‌های جنسی، از جمله توریسیم جنسی، مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش به شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در نظام‌های کیفری داخلی و بین‌المللی اشاره کرده و نشان داده است که همکاری بین‌المللی می‌تواند نقش موثری در کاهش کودک‌همسری داشته باشد (Najafi Abrandabadi et al., 2009).

جواهری آراسته (1399) به بررسی سوءاستفاده از کودکان در فضای مجازی پرداخته‌اند و ارتباط آن با کودک‌همسری را مورد مطالعه قرار داده‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد که فضای مجازی به عنوان بستری جدید برای تسهیل این پدیده عمل می‌کند و نیاز به قوانین سختگیرانه‌تر و آگاهی‌بخشی عمومی دارد (Hosseini, Akbarnajad & Javaheri Arasteh, 2020).

در سطح بین‌المللی، Hibertus (2023) به تحلیل مسئولیت کیفری در ازدواج کودکان و نقش واسطه‌ها پرداخته و نشان داده است که آموزش والدین و تغییر نگرش فرهنگی می‌تواند تأثیرات قابل‌توجهی در کاهش این معضل داشته باشد (Hibertus, 2023). مطالعات دیگری نیز نظیر تحقیق Grace et al. (2020) و Syarifuddin et al. (2023) به بررسی ابعاد مختلف واسطه‌گری در ازدواج کودکان پرداخته‌اند. این تحقیقات نشان داده‌اند که نقش واسطه‌ها اغلب به دلیل خلاهای قانونی نبود نظارت کافی تقویت می‌شود. از این‌رو، اجرای قوانین دقیق‌تر و توسعه مکانیزم‌های نظارتی پیشنهاد شده است (Syarifuddin & Ida, 2023). تحقیقات Agatha et al. (2024) به بررسی پیشگیری از ازدواج کودکان از طریق تقویت نقش والدین پرداخته‌اند و نشان داده‌اند که افزایش آگاهی والدین و توانمندسازی آن‌ها می‌تواند نقش مهمی در کاهش کودک‌همسری ایفا کند (Agatha et al., 2024). مطالعات Mia et al. (2020) و Mohammad et al. (2023) نیز به تحلیل روش‌های نوین میانجی‌گری برای کاهش ازدواج کودکان پرداخته و پیشنهاداتی برای بهبود قوانین ارائه داده‌اند (Mia et al., 2020; Mohammad & Wahyudi, 2023). جمع‌بندی این تحقیقات نشان می‌دهد که کودک‌همسری پدیده‌ای چندبعدی است که نیازمند رویکردهای حقوقی، فرهنگی و اجتماعی برای کاهش و در نهایت حذف آن است. این پژوهش با تمرکز بر مسئولیت کیفری والدین و واسطه‌ها، به دنبال پر کردن خلاهای موجود و ارائه راهکارهایی عملی برای مقابله با این معضل است.

روش تحقیق

این پژوهش با روشی تفسیری-تحلیلی به تحلیل مسئولیت کیفری والدین و واسطه‌ها در کودک‌همسری پرداخته است. این روش با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و استفاده از کتب، مقالات علمی، اسناد حقوقی، و پژوهش‌های مرتبط، سعی دارد به تحلیل جامع

در نظام حقوقی برای پیشگیری از کودک‌همسری و تقویت نظارت‌های قانونی ضروری است (Hibertus, 2023; Zakerhossein, 2022).

2-1-4. مسئولیت کیفری

مسئولیت کیفری به معنای الزام قانونی فرد به پاسخگویی در برابر ارتکاب عمل مجرمانه است و نقش کلیدی در نظام‌های حقوقی مختلف ایفا می‌کند. این مفهوم، بر اساس اصولی همچون قصد مجرمانه و توانایی تمییز، شرایط خاصی برای اعمال مجازات تعیین می‌کند (Najafi Abrandabadi et al., 2009). در خصوص کودکان، مسئولیت کیفری با رویکرد حمایتی مورد بررسی قرار می‌گیرد و هدف آن بیشتر اصلاح و بازپروری است تا تنبیه (Mohammadbeigi et al., 2022). قوانین کیفری در ایران و بسیاری از کشورها، برای کودکان و نوجوانان نظام‌های خاصی را در نظر گرفته‌اند که به سطح بلوغ فکری و اجتماعی آن‌ها توجه می‌کند (Hosseini Akbarnajad & Javaheri Arasteh, 2020; Syarifuddin & Ida, 2023). از سوی دیگر، مسئولیت والدین نیز در مواردی که به واسطه سهل‌انگاری یا سوءاستفاده موجب آسیب به کودکان می‌شوند، به عنوان یک موضوع حساس مطرح می‌گردد (Abdollahi & Takieh, 2017; Khah, 2023; Umi, 2017).

3-1-4. والدین

والدین به افرادی اطلاق می‌شود که از لحاظ قانونی، اجتماعی و اخلاقی مسئولیت نگهداری، تربیت و حمایت از کودکان خود را بر عهده دارند. این نقش شامل تأمین نیازهای اساسی مانند خوراک، پوشاک، آموزش، و مراقبت جسمی و روانی کودک است (Abdollahi & Takieh Khah, 2023; Hosseini, 2020; Akbarnajad & Javaheri Arasteh, 2020). والدین نقشی بنیادین در تربیت، حمایت و تأمین نیازهای کودکان دارند و از منظر حقوق کیفری نیز به عنوان مسئولان اصلی در برابر هرگونه

موضوع پردازد. روش تفسیری-تحلیلی که بر اساس تفسیر هرمنوتیکی متون استوار است، تلاش می‌کند درک متفاوتی از لایه‌های معنایی متون را ایجاد کند و از این منظر به تبیین و تشریح موضوع پردازد. این رویکرد که با عناوین روش تأویلی یا تفهیمی نیز شناخته می‌شود، مبتنی بر پیش‌فرضی است که پدیده‌ها و کنش‌های اجتماعی، همچون کودک‌همسری، دارای معانی چندلایه و پیچیده‌ای هستند که تنها از طریق تحلیل دقیق متون، بررسی سیاق تاریخی و فرهنگی، و تحلیل زمینه‌های مرتبط قابل کشف و تبیین‌اند. در این راستا، پژوهشگران این تحقیق از خرداد 1403 کار خود را آغاز کرده‌اند و با تحلیل منابع کتابخانه‌ای و تفسیر هرمنوتیکی آن‌ها، تلاش کرده‌اند تا به ابعاد مختلف مسئولیت کیفری والدین و واسطه‌ها در پدیده کودک‌همسری پردازند. از این طریق، نتایج تحقیق با هدف ارائه راهکارهای عملی برای کاهش این معضل و حمایت از حقوق کودکان طراحی شده است. به‌علاوه، این پژوهش با بهره‌گیری از ابزارهای پژوهشی گوناگون و رویکردی نظام‌مند، تلاش می‌کند تا درک جامعی از تأثیرات حقوقی، اجتماعی، و فرهنگی این پدیده ارائه دهد.

تشریح مفاهیم بنیادی

کودک همسری

کودک‌همسری به عنوان یکی از پدیده‌های اجتماعی و حقوقی، تبعات گسترده‌ای بر حقوق کودکان دارد. این مسئله با نقض حقوق اساسی کودکان، به ویژه حق بر آموزش و رشد جسمی و روانی، ارتباط مستقیم دارد (Hosseini Akbarnajad & Javaheri Arasteh, 2020; Yayan et al., 2023). از منظر حقوق کیفری، مسئولیت والدین در پیشگیری از کودک‌همسری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چرا که نادیده‌گیری وظایف والدینی می‌تواند به عنوان مصداق سهل‌انگاری کیفری تلقی شود (Abdollahi & Takieh Khah, 2023; Umi, 2017). همچنین، استفاده از اصول جرم‌شناسی نشان می‌دهد که بازنگری

و در برخی موارد به عنوان جایگزینی برای فرایندهای قضایی پیچیده و زمان‌بر شناخته می‌شوند (Agatha et al., 2024).

5-1-4. حقوق کودکان

حقوق کودکان به مجموعه‌ای از حقوق اساسی و بنیادین اطلاق می‌شود که با هدف حمایت از رشد، رفاه، و امنیت جسمی، روانی، و اجتماعی کودکان تدوین شده‌اند. این حقوق شامل حق حیات، حق آموزش، حق بهداشت، حق بازی و تفریح، و حق حفاظت در برابر هرگونه خشونت، بهره‌کشی و تبعیض است (Hosseini Akbarnajad & Javaheri Arasteh, 2020; Najafi Abrandabadi et al., 2009). بین‌المللی مانند کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شده و کشورهای مختلف ملزم به اجرای آن هستند. این حقوق همچنین شامل حمایت در برابر سوءاستفاده در فضای مجازی، کودک‌همسری، و بهره‌کشی اقتصادی است (Mohammad & Wahyudi, 2023; Yayan et al., 2023). در نظام حقوقی ایران، قوانین خاصی برای حمایت از کودکان در برابر خشونت و سوءاستفاده پیش‌بینی شده است که در موارد خاصی، والدین یا سایر سرپرستان کودک نیز می‌توانند تحت پیگرد قانونی قرار گیرند (Abdollahi & Takieh Khah, 2023).

جنبه‌های حقوقی و کیفری

قوانین داخلی

حداقل سن ازدواج به عنوان یکی از مسائل مهم حقوق کودکان، در بسیاری از نظام‌های حقوقی و اسناد بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است. هدف اصلی این قوانین، حمایت از کودکان در برابر آسیب‌های جسمی، روانی و اجتماعی ناشی از ازدواج زودهنگام است. بر اساس کنوانسیون حقوق کودک و دیگر اسناد بین‌المللی، ازدواج افراد زیر سن قانونی به دلیل نقص در بلوغ جسمی و روانی و عدم توانایی در پذیرش مسئولیت‌های ازدواج، عملی غیرقانونی تلقی می‌شود (Zakerhossein, 2022). در ایران، قوانین مرتبط

سهل‌انگاری یا آسیب به کودکان شناخته می‌شوند. مسئولیت کیفری والدین در قبال اعمالی که منجر به آسیب جسمی، روانی یا اجتماعی به کودکان می‌شود، در نظام‌های حقوقی مختلف تعریف شده است (Abdollahi & Takieh Khah, 2023; Hosseini Akbarnajad & Javaheri Arasteh, 2020). عدم جلوگیری از کودک‌همسری، بهره‌کشی اقتصادی یا عدم مراقبت کافی، می‌تواند والدین را در معرض پیگرد قانونی قرار دهد (Grace & Astuti, 2020; Yayan et al., 2023). از منظر جرم‌شناسی، نقش والدین به عنوان عوامل پیشگیرانه در جلوگیری از انحراف یا آسیب‌های اجتماعی کودکان مورد توجه قرار گرفته است. مسئولیت آن‌ها نه تنها شامل مراقبت و حمایت از کودکان، بلکه شامل آموزش ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی نیز می‌شود (Agatha et al., 2024; Umi, 2017). به همین دلیل، قوانین کیفری در برخی کشورها تدابیری برای تقویت نظارت و آگاهی والدین نسبت به وظایفشان پیش‌بینی کرده‌اند.

واسطه‌ها

واسطه‌ها افرادی یا نهادهایی هستند که با هدف حل و فصل اختلافات، کاهش تعارضات، و ایجاد تفاهم میان طرفین درگیر در یک مسئله عمل می‌کنند. این مفهوم در زمینه‌های مختلف از جمله حقوق، روان‌شناسی، مدیریت و جامعه‌شناسی کاربرد دارد (Mia et al., 2020; Umi, 2017). واسطه‌ها معمولاً بی‌طرف بوده و تلاش می‌کنند با فراهم کردن بستری برای گفت‌وگو و تبادل نظر، طرفین را به یک توافق یا راه‌حل مشترک هدایت کنند (Hibertus, 2023; Syarifuddin & Ida, 2023). در حوزه حقوق کیفری و مسائل مربوط به کودکان، واسطه‌ها می‌توانند نقش مهمی در کاهش آسیب‌های روانی، تسریع روند حل اختلافات، و ارائه حمایت‌های روانی و اجتماعی ایفا کنند (Grace & Astuti, 2020). آن‌ها از تکنیک‌های مذاکره و میانجی‌گری برای ایجاد ارتباط سازنده و رفع موانع استفاده می‌کنند

با حداقل سن ازدواج در مواد مختلف قانون مدنی و قانون حمایت از خانواده مشخص شده است. ماده 1041 قانون مدنی حداقل سن ازدواج را برای دختران 13 سال و برای پسران 15 سال تعیین کرده است. با این حال، با مجوز دادگاه و رعایت مصلحت کودک، امکان ازدواج در سنین پایین‌تر نیز وجود دارد که این امر چالش‌هایی جدی در حوزه حمایت از کودکان ایجاد کرده است (Mohammadbeigi et al., 2022). مجازات‌های مرتبط با کودک‌همسری در قوانین کیفری ایران نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند. این مجازات‌ها عمدتاً با هدف جلوگیری از بهره‌کشی جنسی، خشونت و آسیب‌های ناشی از ازدواج زودهنگام تدوین شده‌اند. ماده 50 قانون حمایت از خانواده، جرایم مرتبط با کودک‌همسری را مشمول مجازات‌های کیفری دانسته است (Abdollahi & Takieh Khah, 2023). همچنین، در اسناد بین‌المللی مانند کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان، ازدواج زودهنگام به عنوان نقض حقوق انسانی زنان و دختران شناخته شده و بر تدوین قوانین سخت‌گیرانه‌تر تأکید شده است (Hashemi Nasab et al., 2021). بر اساس تحقیقات، کودک‌همسری نه تنها باعث نقض حقوق کودکان می‌شود، بلکه آسیب‌های گسترده‌ای در حوزه سلامت جسمی و روانی، فرصت‌های تحصیلی و اشتغال برای کودکان ایجاد می‌کند. به همین دلیل، تلاش برای افزایش حداقل سن ازدواج و اعمال مجازات‌های مؤثرتر برای پیشگیری از این پدیده، از اولویت‌های نظام‌های حقوقی و اجتماعی محسوب می‌شود (Ashrafikia & Gaharnia, 2018).

مسئولیت کیفری والدین

نقش والدین در تصمیم‌گیری و مشارکت در ازدواج کودکان، به ویژه در چارچوب حقوقی، یکی از مسائل پیچیده و حساس است که جنبه‌های مختلفی از حقوق فردی، خانوادگی و اجتماعی را در بر می‌گیرد. در بسیاری از نظام‌های حقوقی، والدین به عنوان

مسئولان اصلی حمایت از حقوق کودکان شناخته می‌شوند و در موارد مختلف از جمله ازدواج، حق و مسئولیت دارند تا تصمیمات به نفع رفاه و سلامت کودک اتخاذ کنند (Hosseini Akbarnajad & Javaheri Arasteh, 2020; Najafi Abrandabadi et al., 2009). از منظر حقوقی، ازدواج کودکان به دلیل عدم بلوغ جسمی و روانی کودک، می‌تواند نقض حقوق او و باعث آسیب‌های جسمی، روانی و اجتماعی جدی شود. در بسیاری از کشورها، قوانین حداقل سن ازدواج، هم‌زمان با توجه به قوانین حمایتی از حقوق کودکان، تعیین شده‌اند. این قوانین با هدف محافظت از کودکان در برابر ازدواج‌های اجباری یا تحت فشار، که می‌تواند تحت تأثیر والدین قرار گیرد، تدوین شده است (Abdollahi & Takieh Khah, 2023). والدین می‌توانند با درخواست از دادگاه، برای ازدواج فرزند خود در سنین پایین‌تر نیز اقدام کنند. در چنین شرایطی، نقش والدین در تصمیم‌گیری درباره ازدواج کودک بسیار برجسته است، چرا که بر اساس قانون، والدین می‌توانند در صورت صلاح‌دید دادگاه، اجازه ازدواج کودک را صادر کنند. این موضوع به ویژه زمانی مشکل‌ساز می‌شود که ازدواج کودک تحت فشار یا به اجبار والدین صورت گیرد، که ممکن است حقوق فردی و روانی کودک را نقض کند (Hashemi Nasab et al., 2021). نقش والدین در تصمیم‌گیری در مورد ازدواج کودک، باید در چارچوب ملاحظات اخلاقی و قانونی قرار گیرد. تصمیم‌گیری‌های والدین نباید با حقوق کودک در تضاد باشد و باید همواره به بهترین منافع کودک توجه شود. طبق اسناد بین‌المللی مانند کنوانسیون حقوق کودک، ازدواج کودکان باید با رضایت و اراده کامل آن‌ها و بدون هیچ‌گونه فشار یا اجبار از سوی والدین یا جامعه صورت گیرد (Zakerhossein, 2022).

مسئولیت کیفری واسطه‌ها

در فرآیند ازدواج، به ویژه در جوامعی که ازدواج‌های سنتی و مذهبی رواج دارد، نقش واسطه‌ها از جمله دلالتان ازدواج،

را اعمال کنند. در بسیاری از موارد، ازدواج‌هایی که خارج از چارچوب‌های قانونی و با نقض حقوق کودک انجام می‌شوند، توسط نهادهای اجرایی مورد بررسی و پیگرد قرار می‌گیرند. علاوه بر این، نهادهای اجتماعی و حقوقی باید از طریق آموزش و آگاهی‌بخشی، جامعه را نسبت به آسیب‌های ناشی از ازدواج‌های زودهنگام آگاه کنند و در جهت کاهش این آسیب‌ها تلاش کنند (Ashrafikia & Gaharnia, 2018; Mohammadbeigi et al., 2022).

مقایسه حقوقی

کودک‌همسری یکی از مسائل حقوقی پیچیده و حساس است که در بسیاری از کشورها توجه ویژه‌ای به آن شده است. این پدیده علاوه بر نقض حقوق کودکان، می‌تواند تبعات منفی بلندمدتی برای سلامتی و رفاه آن‌ها داشته باشد. در این زمینه، کشورهای مختلف قوانین خاصی برای مقابله با کودک‌همسری و مسئولیت کیفری مربوط به آن وضع کرده‌اند. بررسی تطبیقی قوانین کشورهای مختلف و چگونگی برخورد با این پدیده در سطوح مختلف حقوقی از اهمیت بالایی برخوردار است.

1. ایران: در حقوق ایران، مسئولیت کیفری در کودک‌همسری عمدتاً بر عهده والدین، دلان ازدواج، و نهادهای اجرایی است. بر اساس قانون مدنی ایران، حداقل سن ازدواج برای دختران 13 سال و برای پسران 15 سال است، اما در شرایط خاص، این حداقل سن ممکن است توسط دادگاه کاهش یابد (Abdollahi & Takieh Khah, 2023). در این چارچوب، مسئولیت کیفری برای والدین یا کسانی که در برگزاری این ازدواج‌ها مشارکت دارند، می‌تواند شامل مجازات‌هایی نظیر حبس یا جریمه‌های مالی باشد (Hashemi Nasab et al., 2021).

روحانیون و نهادهای اجرایی بسیار حیاتی است. این واسطه‌ها مسئولیت‌های قانونی و اخلاقی مهمی دارند که در جهت حمایت از حقوق فردی طرفین ازدواج و جلوگیری از نقض حقوق کودکان یا افراد تحت فشار قرار دارند. دلان ازدواج یا افرادی که در فرآیند ازدواج افراد نقش واسطه‌ای دارند، مسئولیت دارند که تنها به منظور تسهیل ازدواج‌های قانونی و با رضایت کامل طرفین اقدام کنند. در بسیاری از کشورهای جهان، از جمله ایران، این افراد موظف‌اند که از ازدواج‌هایی که به اجبار یا تحت فشار اتفاق می‌افتند، جلوگیری کنند و از حقوق افراد، به ویژه حقوق کودکان، حمایت کنند. به علاوه، دلان ازدواج نباید در ازدواج کودکان یا افراد تحت شرایط غیرعادی مشارکت داشته باشند، چرا که این امر می‌تواند تخلف قانونی محسوب شود و مجازات‌هایی را برای آن‌ها به دنبال داشته باشد (Abdollahi & Takieh Khah, 2023; Hosseini Akbarnajad & Javaheri Arasteh, 2020).

روحانیون و مراجع مذهبی در بسیاری از جوامع نقش مهمی در فرآیند ازدواج دارند. در سیستم‌های حقوقی مبتنی بر شریعت اسلام، برای انجام مراسم عقد، نقش روحانیون ضروری است. آن‌ها باید از اصول شرعی و اخلاقی پیروی کنند و اطمینان حاصل کنند که هیچ‌کدام از طرفین تحت فشار یا اجبار قرار ندارند. در صورتی که ازدواج کودکان یا اجباری به‌طور غیرقانونی صورت گیرد، روحانیون باید آن را متوقف کنند و از انجام چنین ازدواج‌هایی جلوگیری کنند (Zakerhossein, 2022). در این زمینه، روحانیون به‌عنوان افرادی که در جوامع مذهبی مسئولیت اخلاقی و اجتماعی دارند، باید به حقوق کودکان و نوجوانان احترام بگذارند و از هرگونه مشارکت در ازدواج‌هایی که حقوق فردی را نقض می‌کنند، خودداری کنند. و نهایتاً نهادهای اجرایی از جمله دادگاه‌ها، سازمان‌های دولتی و نهادهای اجتماعی مسئول اجرای قوانین و نظارت بر فرایندهای ازدواج هستند. این نهادها موظف‌اند که قوانین مربوط به حداقل سن ازدواج و حمایت از حقوق افراد

2. اندونزی: در اندونزی، مسئولیت کیفری در خصوص کودک‌همسری بر عهده والدین و دلالتان ازدواج است. قانون ازدواج این کشور حداقل سن ازدواج را برای دختران 19 سال تعیین کرده است، اما در صورتی که ازدواج تحت فشار یا اجبار والدین باشد، مجازات‌هایی برای والدین و حتی دلالتان ازدواج در نظر گرفته می‌شود (Umi, 2017). به علاوه، طبق برخی تصمیمات قضایی، دلالتان ازدواج که در فرآیند ازدواج‌های غیرقانونی دخالت می‌کنند، ممکن است با مسئولیت کیفری مواجه شوند (Hashemi Nasab et al., 2021).
3. اندونزی و مالزی: در این دو کشور، علاوه بر قوانین ملی، نقش مراجع دینی نیز در تعیین مسئولیت کیفری در کودک‌همسری برجسته است. به‌ویژه در مالزی، مراجع مذهبی مسئولیت ویژه‌ای در نظارت بر ازدواج‌ها دارند و اگر ازدواجی با کودکان صورت گیرد، مسئولیت کیفری متوجه روحانیون و مراجع مذهبی خواهد بود که در این فرآیند مشارکت داشته‌اند (Syarifuddin & Ida, 2023).
4. آفریقا: در بسیاری از کشورهای آفریقایی، کودک‌همسری به دلیل سنت‌ها و باورهای فرهنگی هنوز رواج دارد. در این کشورها، قوانین برای مبارزه با این پدیده به‌طور مداوم در حال تغییر است. در برخی از کشورها، اگر والدین یا دلالتان ازدواج در چنین ازدواج‌هایی مشارکت کنند، ممکن است به مجازات‌های سنگینی نظیر زندان و جریمه‌های مالی محکوم شوند (Grace & Astuti, 2020).
5. دیوان کیفری بین‌المللی: در سطح بین‌المللی، دیوان کیفری بین‌المللی مسئولیت کیفری را در خصوص

کودک‌همسری در قالب نقض حقوق بشر بررسی می‌کند. طبق اسناد بین‌المللی و تصمیمات دیوان، ازدواج کودکانه یک جرم بین‌المللی محسوب می‌شود و کسانی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در این فرآیند دخالت دارند، می‌توانند تحت پیگرد قانونی قرار گیرند (Zakerhossein, 2022).

با توجه به تطبیق قوانین کشورهای مختلف، می‌توان مشاهده کرد که مسئولیت کیفری در کودک‌همسری در بسیاری از کشورها به‌ویژه بر عهده والدین، دلالتان ازدواج و در برخی کشورها بر عهده مراجع مذهبی است. این مسئولیت‌ها در راستای جلوگیری از ازدواج‌های اجباری و غیرقانونی کودکان و حمایت از حقوق کودکان شکل گرفته است. همچنین، تلاش‌های بین‌المللی مانند دیوان کیفری بین‌المللی نشان می‌دهد که این پدیده به‌عنوان نقض جدی حقوق بشر باید در سطح جهانی مورد پیگیری قرار گیرد.

جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی

نقش فرهنگ و سنت

تأثیر باورهای فرهنگی و سنتی در تسهیل کودک‌همسری یکی از عوامل مهم و پیچیده در جوامع مختلف است. در بسیاری از جوامع سنتی، ازدواج کودکان به‌عنوان یک رسم فرهنگی پذیرفته شده تلقی می‌شود و خانواده‌ها آن را به‌عنوان روشی برای تضمین امنیت اجتماعی و اقتصادی دختران خود می‌بینند. این باورها به‌ویژه در جوامع روستایی و مناطقی که دسترسی به آموزش و خدمات بهداشتی محدود است، بیشتر مشاهده می‌شود (Abdollahi & Takieh Khah, 2023). همچنین در جوامعی که مذهب و مراجع مذهبی تأثیر زیادی دارند، ازدواج کودکان ممکن است به‌طور مذهبی توجیه شود و به‌عنوان یک امر مقدس یا مشروع در نظر گرفته شود (Hashemi Nasab et al., 2021). والدین در این جوامع معمولاً نقش کلیدی در انتخاب شریک زندگی فرزندان خود دارند و گاهی اوقات به‌دلیل فشارهای فرهنگی و اقتصادی،

و ازدواج، موجب می‌شود که خانواده‌ها و حتی خود کودکان از مضرات ازدواج در سنین پایین آگاه نباشند (Zakerhossein, 2022). همچنین در جوامع شهری که ممکن است نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی بیشتری وجود داشته باشد، فشارهای اجتماعی برای حفظ سنت‌ها و رسومات قدیمی می‌تواند باعث شود که برخی از خانواده‌ها دختران خود را در سنین پایین به ازدواج بفرستند تا از فشارهای اجتماعی و اقتصادی در امان بمانند (Hosseini Akbarnajad & Javaheri Arasteh, 2020). در مجموع، شرایط اقتصادی و اجتماعی نقش اساسی در تسهیل و گسترش کودک‌همسری ایفا می‌کنند، به‌طوری که مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌توانند زمینه‌ساز این پدیده شوند. بنابراین، بهبود شرایط اقتصادی، ارتقای سطح آگاهی اجتماعی و تقویت نظام آموزشی و حمایتی می‌تواند به کاهش کودک‌همسری کمک کند (Najafi Abrandabadi et al., 2009).

نقش نهادهای مدنی

سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها) و فعالان حقوق کودک نقش برجسته‌ای در مقابله با پدیده کودک‌همسری دارند. این سازمان‌ها با تکیه بر آگاهی‌بخشی، حمایت قانونی و اجتماعی، و ایجاد فشار بر نهادهای دولتی برای اصلاح قوانین و سیاست‌ها می‌توانند تغییرات مهمی در کاهش این پدیده ایجاد کنند. یکی از اصلی‌ترین وظایف سمن‌ها، افزایش آگاهی در جوامع محلی است که ممکن است ازدواج کودکان را یک سنت یا ضرورت اقتصادی بدانند. از طریق کارگاه‌های آموزشی، کمپین‌ها و رسانه‌های اجتماعی، این سازمان‌ها می‌توانند اطلاعاتی در مورد مضرات کودک‌همسری و حقوق کودکان فراهم کنند (Abdollahi & Takieh Khah, 2023). سمن‌ها همچنین می‌توانند از طریق لابی‌گری و فشار بر مقامات دولتی، به تغییر قوانین و سیاست‌های حمایتی برای محافظت از حقوق کودکان و جلوگیری از ازدواج زودهنگام کمک

دختران خود را در سنین پایین به ازدواج می‌فرستند (Zakerhossein, 2022). علاوه بر این، در جوامع فقیر، ازدواج زودهنگام گاهی به‌عنوان یک راه‌حل برای کاهش بار اقتصادی خانواده‌ها و تضمین آینده مالی دختران دیده می‌شود (Hosseini Akbarnajad & Javaheri Arasteh, 2020). این باورها و رسومات می‌توانند کودک‌همسری را به‌عنوان یک ضرورت فرهنگی یا حتی اقتصادی تلقی کرده و آن را تسهیل کنند. در کنار این موارد، رسانه‌ها و فضای مجازی نیز ممکن است به‌طور غیرمستقیم با ترویج باورهای قدیمی و نادرست در مورد ازدواج کودکان، بر پذیرش این پدیده تأثیر بگذارند (Najafi Abrandabadi et al., 2009). بنابراین، تغییر این باورهای فرهنگی و سنتی، در کنار اصلاحات قانونی و اجتماعی، می‌تواند به مقابله مؤثر با پدیده کودک‌همسری کمک کند.

فقر و نابرابری

ارتباط میان شرایط اقتصادی و اجتماعی با ازدواج کودکان به‌عنوان یکی از مسائل پیچیده و چندبُعدی در جوامع مختلف مطرح است. شرایط اقتصادی ضعیف و فقر، از عوامل اصلی تسهیل‌کننده کودک‌همسری در بسیاری از جوامع است. در خانواده‌های کم‌درآمد، گاهی ازدواج کودکان به‌عنوان یک راه‌حل برای کاهش فشارهای اقتصادی یا انتقال بار مالی به خانواده‌های دیگر در نظر گرفته می‌شود (Abdollahi & Takieh Khah, 2023). این خانواده‌ها به‌ویژه در جوامع روستایی و مناطقی که دسترسی به خدمات اجتماعی و بهداشتی محدود است، ممکن است ازدواج زودهنگام را به‌عنوان راهی برای تأمین آینده مالی فرزندان خود در نظر بگیرند (Hashemi Nasab et al., 2021). علاوه بر این، شرایط اجتماعی همچون ضعف در نظام آموزشی و نبود فرصت‌های شغلی، می‌تواند منجر به کاهش آگاهی و اطلاعات در مورد حقوق کودکان و پیامدهای منفی ازدواج زودهنگام شود. در بسیاری از جوامع، نبود آموزش‌های کافی در زمینه حقوق کودک

کنند. بسیاری از سمن‌ها در سطح جهانی و ملی در حال مبارزه برای اصلاح قوانین مربوط به سن ازدواج و ارائه حمایت‌های قانونی به کودکان هستند. به عنوان مثال، بسیاری از این سازمان‌ها از دیوان کیفری بین‌المللی و سازمان‌های حقوق بشری برای پیگیری حقوق کودک استفاده می‌کنند (Zakerhossein, 2022). فعالان حقوق کودک در سطح فردی و اجتماعی نیز می‌توانند از طریق مشاوره‌های حقوقی، روان‌شناسی و حمایت اجتماعی، به خانواده‌ها و کودکان در معرض خطر کمک کنند. این فعالان با همکاری سمن‌ها و نهادهای دولتی به ارائه راه‌حل‌های جایگزین برای کاهش فشارهای اقتصادی و اجتماعی به خانواده‌ها می‌پردازند و در عین حال، از ظرفیت‌های قضائی برای مقابله با کودک‌همسری بهره می‌برند (Hosseini Akbarnejad & Javaheri Arasteh, 2020). لذا، سازمان‌های مردم‌نهاد و فعالان حقوق کودک از طریق آموزش، حمایت حقوقی، فشار به اصلاح قوانین و فراهم‌سازی منابع اجتماعی و اقتصادی می‌توانند نقش مهمی در کاهش کودک‌همسری ایفا کنند. به‌ویژه در مناطقی که فقر و سنت‌های نادرست رواج دارند، این سازمان‌ها می‌توانند با فعالیت‌های خود آگاهی عمومی را افزایش دهند و به کاهش این پدیده کمک کنند (Hashemi Nasab et al., 2021).

جنبه‌های روان‌شناختی و اجتماعی کودک

پیامدهای روانی و اجتماعی

ازدواج زودهنگام می‌تواند تأثیرات منفی قابل توجهی بر سلامت روانی و اجتماعی کودکان داشته باشد. یکی از پیامدهای اصلی آن افزایش خطر اضطراب، افسردگی و احساس بی‌کفایتی است. به دلیل ناتوانی در آماده‌سازی روانی و عاطفی برای پذیرش مسئولیت‌های خانوادگی و زناشویی، کودکانی که در سنین پایین ازدواج می‌کنند، اغلب با مشکلات جدی روانی مواجه می‌شوند. مطالعات نشان داده‌اند که این کودکان به دلیل عدم آمادگی برای ایفای نقش‌های جدید، با استرس و مشکلات عاطفی شدیدی

دست و پنجه نرم می‌کنند (Hibertus, 2023). علاوه بر این، ازدواج زودهنگام غالباً منجر به انزوا اجتماعی و محدودیت فرصت‌های آموزشی و شغلی می‌شود. کودکانی که در سنین پایین ازدواج می‌کنند، معمولاً قادر به شرکت کامل در فعالیت‌های مدرسه یا اجتماعی نیستند که این امر به توسعه اجتماعی آن‌ها آسیب می‌زند. بسیاری از این کودکان مجبور به ترک تحصیل و تمرکز بر مسئولیت‌های خانگی می‌شوند، که در نتیجه فرصت‌های توسعه اجتماعی و شخصی خود را از دست می‌دهند (Grace & Astuti, 2020). از نظر اجتماعی، ازدواج زودهنگام می‌تواند چرخه‌های فقر و نابرابری را تقویت کند. کودکانی که در سنین پایین ازدواج می‌کنند، معمولاً از حمایت اجتماعی، حقوق قانونی و فرصت‌های شغلی محروم می‌شوند، که باعث کاهش کیفیت زندگی آن‌ها و تشدید مشکلات اجتماعی می‌شود. این افراد ممکن است توانایی مشارکت فعال در تصمیمات اقتصادی و اجتماعی را نداشته باشند و در نتیجه پتانسیل ارتقاء اجتماعی و مشارکت مثبت در جامعه را از دست می‌دهند (Syarifuddin & Ida, 2023). در نتیجه، ازدواج زودهنگام تأثیرات زیادی بر سلامت روانی و اجتماعی کودکان دارد و به چالش‌های بلندمدت فردی و اجتماعی منجر می‌شود.

تحلیل نقش خانواده

بررسی انگیزه‌ها و فشارهای وارده از سوی خانواده بر کودک برای ازدواج، نشان می‌دهد که عوامل متعددی می‌توانند باعث ترغیب یا فشار آوردن به کودکان برای ازدواج در سنین پایین شوند. یکی از انگیزه‌های اصلی خانواده‌ها، ملاحظات اقتصادی است. در برخی از جوامع، ازدواج کودکان به‌ویژه دختران، به عنوان راهی برای کاهش بار اقتصادی خانواده‌ها یا انتقال مسئولیت‌های مالی به فردی دیگر در نظر گرفته می‌شود. در چنین مواردی، ازدواج ممکن است به عنوان یک راه‌حل برای مشکلات مالی، بیکاری یا فقر خانوادگی دیده شود (Zainuddin & Rosidi, 2024). عوامل فرهنگی

ازدواج در سنین پایین با مشکلات روانی مانند افسردگی، اضطراب و احساس گناه همراه است که می‌تواند بر رشد شخصیتی و عاطفی آن‌ها تأثیر منفی بگذارد (Hibertus, 2023). این فشارهای روانی همچنین می‌تواند منجر به ناتوانی در تطابق با مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی شود و زمینه‌ساز مشکلات اجتماعی دیگری مانند انزوا و افسردگی گردد (Syarifuddin & Ida, 2023). علاوه بر این، دخترانی که در سنین پایین ازدواج می‌کنند، اغلب به دلیل بارداری‌های زودهنگام و مشکلات جسمی، با خطرات بهداشتی جدی مواجه می‌شوند که بر سلامت جسمی آن‌ها تأثیر می‌گذارد (Mia et al., 2020). از سوی دیگر، این ازدواج‌ها مانع از ادامه تحصیل و پیشرفت شغلی کودکان می‌شود که به‌ویژه در جوامع فقیر زندگی می‌کنند، و این امر منجر به تداوم چرخه فقر در خانواده‌ها می‌شود (Agatha et al., 2024). در نهایت، این شرایط می‌تواند به بروز مشکلات خانوادگی و اجتماعی در بلندمدت منجر شود، به‌ویژه زمانی که کودکان از حق تحصیل و رشد اجتماعی محروم می‌شوند (Zainuddin & Rosidi, 2024).

جنبه‌های اخلاقی و مذهبی

دیدگاه‌های مذهبی

تفاسیر مذهبی نقش بسیار مهمی در شکل‌دهی به نگرش‌های اجتماعی و فرهنگی در جوامع مختلف دارند و می‌توانند تأثیرگذار بر پذیرش یا رد پدیده کودک‌همسری باشند. در برخی جوامع مذهبی و سنتی، تفاسیر دینی ممکن است کودک‌همسری را به‌عنوان یک امر مشروع و دینی توجیه کنند. به‌ویژه در جوامعی که تأکید زیادی بر پیروی از سنت‌های مذهبی دارند، برخی از مفسران به استناد به متون دینی مانند قرآن و احادیث به ازدواج‌های زودهنگام در دوران پیامبر اسلام اشاره می‌کنند و آن را به‌عنوان الگویی برای جامعه ارائه می‌دهند (Abdollahi & Takieh, 2023). این نوع تفاسیر ممکن است باعث شوند که

و سنتی نیز به‌طور قابل‌توجهی بر تصمیمات خانواده‌ها تأثیر می‌گذارند. در بسیاری از فرهنگ‌ها، ازدواج کودکان جزء هنجارهای اجتماعی و فرهنگی است و از آن به‌عنوان یک سنت یا وظیفه اجتماعی در نظر گرفته می‌شود. این فشارها می‌تواند از سوی خانواده، اقوام و حتی جامعه بر کودکان اعمال شود تا به‌سرعت وارد زندگی زناشویی شوند. خانواده‌ها ممکن است به‌دلیل اعتقاد به حفظ ارزش‌های مذهبی یا فرهنگی، کودک را مجبور به ازدواج کنند (Hibertus, 2023). همچنین، گاهی اوقات، فشارهای اجتماعی نیز نقش مهمی در تصمیم‌گیری خانواده‌ها دارند. برخی خانواده‌ها ممکن است به‌دلیل ترس از قضاوت اجتماعی یا به‌منظور حفظ آبرو و احترام خانوادگی، تصمیم به ازدواج زودهنگام کودک بگیرند. در این‌گونه موارد، تهدید به طرد اجتماعی یا تحقیر در صورت عدم پیروی از هنجارهای اجتماعی می‌تواند یکی از دلایل عمده فشار به کودکان برای ازدواج باشد (Zakerhossein, 2022). در نهایت، گاهی اوقات، در خانواده‌هایی که باورهای نادرستی نسبت به نقش جنسیتی دارند، ازدواج کودک به‌عنوان راهی برای کنترل رفتارهای جنسی و حفظ "پاکدامنی" تلقی می‌شود. این نگرش‌ها می‌تواند منجر به تصمیمات نادرست برای ازدواج کودکان شوند که در نهایت به آسیب‌های روانی، اجتماعی و جسمی برای آن‌ها منتهی می‌شود (Abdollahi & Takieh Khah, 2023). بنابراین، فشارهای خانواده‌ها برای ازدواج کودکان معمولاً به‌دلیل ترکیبی از عوامل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و مذهبی است که هر یک می‌تواند زمینه‌ساز ازدواج‌های زودهنگام و آسیب‌های ناشی از آن باشد.

آسیب‌های اجتماعی

کودک‌همسری تأثیرات منفی طولانی‌مدتی بر زندگی فردی و اجتماعی کودکان دارد. این تأثیرات در ابعاد مختلف روانی، اجتماعی، اقتصادی و جسمی نمایان می‌شود. به‌ویژه برای دختران،

کودک‌همسری در برخی جوامع به‌عنوان یک امر طبیعی و مشروع در نظر گرفته شود. اما در سوی دیگر، در دنیای معاصر، بسیاری از مفسران و فعالان دینی با نقد تفاسیر سنتی و تأکید بر تغییرات اجتماعی و حقوق بشر، به مخالفت با کودک‌همسری پرداخته‌اند. این تفاسیر معاصر بر اساس اصول انسانی و حقوق کودکان شکل گرفته‌اند و تلاش دارند تا ازدواج کودکان را نه تنها از منظر دینی، بلکه از نظر اخلاقی و حقوقی نیز به چالش کشیده و رد کنند (Zakerhossein, 2022). به‌ویژه در کشورهای اسلامی، بعضی از مراجع دینی بر اهمیت حفظ حقوق کودک، تحصیل و سلامت روانی او تأکید دارند و بر این باورند که کودک‌همسری مخالف با اصول اسلامی و انسانی است که به حقوق کودک احترام می‌گذارد. بنابراین، تفاسیر مذهبی می‌توانند در زمینه کودک‌همسری نقش دوگانه‌ای ایفا کنند. از یک سو، برخی تفاسیر سنتی آن را مشروع می‌دانند، اما از سوی دیگر، تفاسیر مدرن و حقوقی به مخالفت با آن پرداخته و بر اهمیت رعایت حقوق کودک تأکید دارند. این موضوع نشان می‌دهد که تفاسیر دینی می‌توانند در زمینه کودک‌همسری بسته به نحوه تفسیر متون مذهبی و تغییرات اجتماعی و فرهنگی، متفاوت باشند (Hosseini Akbarnajad & Javaheri Arasteh, 2020).

چالش‌های اخلاقی

تضاد میان اصول اخلاقی و باورهای سنتی در تصمیم‌گیری برای ازدواج کودکان موضوعی پیچیده است که در جوامع مختلف بسته به شرایط فرهنگی، اجتماعی و دینی نمود پیدا می‌کند. اصول اخلاقی امروزی، به‌ویژه در سطح بین‌المللی، بر حقوق بشر، استقلال فردی، و حفظ کرامت انسانی تأکید دارند. در این چارچوب، ازدواج کودکان به‌عنوان نقض حقوق آن‌ها شناخته می‌شود و هرگونه فشار یا اجبار برای ازدواج در سنین پایین، با اصول اخلاقی سازگار نیست. این اصول شامل حمایت از حقوق کودک، حق تحصیل، رشد و توسعه شخصی، و حفظ سلامت

جسمی و روانی او هستند که در صورت ازدواج زودهنگام به شدت تحت تأثیر قرار می‌گیرند (Hibertus, 2023; Zakerhossein, 2022). از سوی دیگر، در بسیاری از جوامع سنتی و مذهبی، باورهای فرهنگی و اجتماعی بر اهمیت ازدواج زودهنگام تأکید دارند. در این جوامع، ازدواج کودکان نه تنها به‌عنوان یک سنت فرهنگی بلکه به‌عنوان یک امر مذهبی نیز در نظر گرفته می‌شود و ممکن است با تفسیرهای خاصی از متون دینی و سنت‌های اجتماعی توجیه شود. در اینجا، ازدواج کودکان به‌عنوان یک الزام اجتماعی و خانوادگی تلقی می‌شود که بر اساس آن خانواده‌ها احساس می‌کنند که باید تصمیمات زندگی فرزندان‌شان را به‌ویژه در زمینه ازدواج بگیرند (Abdollahi & Takieh Khah, 2023; Syarifuddin & Ida, 2023). این تضاد میان اصول اخلاقی و باورهای سنتی می‌تواند مشکلات زیادی به‌وجود آورد. از یک سو، اصول اخلاقی معاصر تأکید دارند که کودکانی که هنوز به بلوغ روانی و جسمی نرسیده‌اند، نباید تحت فشار برای انجام تصمیمات بزرگ زندگی قرار گیرند، در حالی که باورهای سنتی این مسائل را به‌عنوان جزئی از هویت فرهنگی و اجتماعی خود می‌بینند. این تضاد نه تنها به مسائل حقوقی و اجتماعی منجر می‌شود، بلکه ممکن است آسیب‌های روانی و جسمی برای کودکان به همراه داشته باشد، چرا که آن‌ها در مراحل اولیه زندگی خود برای تصمیم‌گیری‌های مهم به‌طور کامل آماده نیستند و ممکن است نتوانند از حقوق خود به‌درستی دفاع کنند (Hosseini Akbarnajad & Javaheri, 2020; Arasteh, 2020; Mia et al., 2020).

نتیجه‌گیری

مسئولیت‌گیری در ازدواج کودکان شامل تعاملات پیچیده‌ای است که بین چارچوب‌های قانونی، نقش والدین و میانجیگران وجود دارد. نظام حقوقی اغلب در تلاش است تا تفاوت‌های ظریف در مورد مقصر بودن افراد زیر سن قانونی و مسئولیت‌های والدین و

شوند. همچنین، تمامی استثنائات قانونی که به مقامات قضائی یا والدین اجازه می‌دهد تا ازدواج کودک را مجاز بدانند، باید حذف شود و در عین حال، مجازات‌های شدیدتری برای افرادی که کودک را به ازدواج مجبور می‌کنند، اعمال گردد. علاوه بر این، نیاز است که سازوکارهای نظارتی مؤثری برای اطمینان از اجرای دقیق قوانین ایجاد شود. در کنار این تغییرات قانونی، آموزش عمومی نقش کلیدی دارد. برگزاری دوره‌های آموزشی برای والدین و مقامات قضائی در خصوص آسیب‌های ناشی از کودک‌همسری و اهمیت حفظ حقوق کودکان ضروری است. همچنین، اطلاع‌رسانی در مورد حقوق کودک و تبعات منفی ازدواج زودهنگام باید در جامعه گسترش یابد. این امر می‌تواند از طریق رسانه‌ها، کارگاه‌ها و برنامه‌های آموزشی در مدارس و مناطق دورافتاده صورت گیرد. فرهنگ‌سازی نیز بخش مهمی از این فرآیند است. باید فرهنگ احترام به حقوق کودک و اهمیت سن و آمادگی روانی برای ازدواج ترویج شود و الگوهای موفق ازدواج در سنین بالاتر معرفی گردد. همچنین، همکاری با سازمان‌های غیر دولتی و غیردولتی در جهت فرهنگ‌سازی و حمایت از کودکان و زنان در معرض خطر ازدواج زودهنگام اهمیت دارد. با تقویت مهارت‌های زندگی و آموزش‌های شغلی برای دختران، می‌توان آنان را برای نقش‌های مختلف در جامعه آماده کرد و از ازدواج‌های زودهنگام جلوگیری نمود. این رویکردهای جامع در کنار هم می‌توانند به کاهش کودک‌همسری و ارتقای حقوق کودکان کمک کنند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

Introduction

Child marriage continues to be one of the most pressing and multifaceted socio-legal

challenges in contemporary societies, particularly in countries where legal ambiguity, socio-economic hardship, and entrenched cultural norms converge to

میانجیگران را مدیریت کند. از منظر حقوقی و مسئولیت کیفری، ازدواج کودکان در قوانین اندونزی به‌طور صریح جرم‌انگاری نشده است، زیرا قوانین موجود به‌طور یکنواخت آن را ممنوع نکرده‌اند. افراد زیر سن قانونی که ازدواج می‌کنند ممکن است تحت پیگرد قانونی قرار گیرند که وضعیت حقوقی و مسئولیت آن‌ها را پیچیده می‌سازد. همچنین، قانون امکان اعطای اجازه ازدواج را فراهم می‌کند، که این می‌تواند مانع جدی برای منع ازدواج کودکان باشد، چرا که قضات می‌توانند بر اساس درخواست والدین استثنائاتی قائل شوند. در این میان، والدین نقش حیاتی در جلوگیری از ازدواج کودکان دارند؛ آن‌ها می‌توانند با ایجاد یک محیط حمایتی و رعایت الزامات قانونی سن، مانع از وقوع این ازدواج‌ها شوند. تقویت مسئولیت‌های والدین و بهبود وضعیت اقتصادی می‌تواند به‌طور قابل توجهی نرخ ازدواج‌های زیر سن قانونی را کاهش دهد. در نهایت، میانجی‌ها، به‌ویژه در سازمان‌های حفاظت از کودکان، در حل منازعات و تضمین اولویت حقوق کودکان اهمیت زیادی دارند. نقش این افراد شامل آموزش والدین درباره پیامدهای قانونی ازدواج کودکان و تسهیل گفتگوهای است که می‌تواند مانع از وقوع چنین ازدواج‌هایی شود. در حالی که هدف سیستم حقوقی حفاظت از حقوق کودکان است، تعاملات شیوه‌های فرهنگی، عوامل اقتصادی و نفوذ والدین اجرای قوانین ضد ازدواج کودکان را پیچیده می‌سازد. این امر نیاز به یک رویکرد جامع و یکپارچه را نشان می‌دهد که تمامی ذینفعان درگیر را در نظر بگیرد.

پیشنهادهای

برای کاهش وقوع کودک‌همسری، تغییرات اساسی در سه زمینه اصلی شامل تغییر قوانین، آموزش عمومی و فرهنگ‌سازی ضروری است. ابتدا باید سن قانونی ازدواج به‌ویژه برای دختران افزایش یابد تا آن‌ها پس از رسیدن به بلوغ فکری و روانی آماده ازدواج

perpetuate this harmful practice. In many contexts, including Iran, child marriage is often facilitated by the direct or indirect involvement of parents and intermediaries, such as religious figures or marriage brokers, who operate within the gray zones of law and custom. This study investigates the criminal responsibility of parents and intermediaries in the persistence of child marriage and argues that a combination of legislative gaps, judicial discretion, and cultural permissiveness allows this phenomenon to continue with relative impunity. Iranian law, notably Article 1041 of the Civil Code, sets the minimum age of marriage at 13 for girls and 15 for boys but allows judicial exceptions, thereby rendering the statutory protections ineffective in practice (Zakerhossein, 2022). Parents often justify their decisions based on perceived economic necessity, religious obligations, or social expectations, while intermediaries exploit these justifications for personal or institutional gain (Abdollahi & Takieh Khah, 2023; Agatha et al., 2024). International legal instruments, including the Convention on the Rights of the Child, categorize child marriage as a human rights violation, calling for stricter enforcement and comprehensive prevention strategies. However, implementing such strategies in societies where tradition and religion are deeply interwoven with legal practices poses unique challenges. Therefore, this study emphasizes the need for a holistic and multidisciplinary approach, combining legal reform, public education, and cultural transformation to combat child marriage effectively.

A robust body of literature forms the foundation of this study, offering critical perspectives on both domestic and international dimensions of child marriage. Abdollahi (2023) emphasizes the legal vacuum and lack of public awareness as key contributors to the prevalence of child marriage in Iran, arguing that many parents

act without full comprehension of the legal and psychological consequences (Abdollahi & Takieh Khah, 2023). Zakerhossein (2022) points to structural inadequacies in the legal system, particularly the absence of strong enforcement mechanisms and the misuse of judicial discretion, as factors that perpetuate early marriage (Zakerhossein, 2022). Najafi Abrandabadi et al. (2009) take a comparative approach, highlighting how international criminal law treats the exploitation of children, including through marriage, as a prosecutable offense under broader human rights frameworks (Najafi Abrandabadi et al., 2009). Hosseini Akbarnejad and Javaheri Arasteh (2020) extend the analysis to the digital realm, noting how online spaces can facilitate child exploitation, necessitating new forms of legal oversight (Hosseini Akbarnejad & Javaheri Arasteh, 2020). Hibertus (2023) discusses how cultural attitudes and lack of parental education significantly contribute to the problem and suggests that empowering parents with knowledge and resources is critical to prevention efforts (Hibertus, 2023). Comparative legal insights from jurisdictions such as Indonesia, Malaysia, and several African countries reveal that stronger regulatory frameworks and targeted community interventions can reduce child marriage significantly (Grace & Astuti, 2020; Syarifuddin & Ida, 2023). Studies by Mia et al. (2020) and Mohammad et al. (2023) offer practical policy recommendations, including conditional cash transfers, community awareness campaigns, and the criminalization of all adult facilitators of underage marriage (Mia et al., 2020; Mohammad & Wahyudi, 2023). These works collectively underline the importance of addressing child marriage not merely as a cultural issue but as a legal and moral imperative.

This study employs an interpretive-analytical method, rooted in hermeneutic legal analysis, to explore the multifaceted nature of criminal

responsibility in child marriage. By closely examining statutory texts, religious interpretations, legal commentaries, and international treaties, the research seeks to uncover how cultural and legal constructs intersect to either enable or prevent child marriage. Particular focus is given to the role of Iranian judicial authorities who, under current law, possess the discretion to authorize exceptions to the minimum age of marriage. This discretion, often exercised without adequate psychological or social evaluations of the child's welfare, effectively undermines the protective intent of the law (Hashemi Nasab et al., 2021). Parents are scrutinized as legal guardians whose failure to act in the best interest of their children may amount to criminal negligence, especially when the consequences of early marriage include educational deprivation, psychological trauma, and social isolation (Abdollahi & Takieh Khah, 2023; Umi, 2017). Similarly, intermediaries such as clergy or marriage brokers are assessed based on their legal and moral obligations to uphold child protection norms. The study also integrates comparative legal data to assess how other jurisdictions handle these roles and responsibilities. By employing a triangulated analysis of legal texts, doctrinal interpretations, and socio-cultural dynamics, the research aims to offer not only a critique of the current system but also actionable policy suggestions grounded in global best practices.

The conceptual framework of this study encompasses several critical constructs, including child marriage, criminal liability, parental duty, intermediary responsibility, and children's rights. Child marriage is analyzed as a violation of fundamental rights, including the rights to education, bodily integrity, and informed consent (Hosseini Akbarnajad & Javaheri Arasteh, 2020; Yayan et al., 2023). Criminal liability is assessed in terms of intent, negligence, and causation,

with a particular emphasis on the failure of guardians and intermediaries to prevent foreseeable harm (Najafi Abrandabadi et al., 2009). Parents are positioned as primary duty bearers whose legal obligations include safeguarding their children's physical, emotional, and developmental well-being (Grace & Astuti, 2020). Intermediaries—whether religious, social, or legal actors—are seen as agents who either uphold or undermine statutory protections, and their accountability is judged based on both national law and international human rights standards (Agatha et al., 2024). The study also highlights how children's rights are often subordinated to adult interests in societies where age, gender, and family honor dictate marital decisions (Mohammad & Wahyudi, 2023). In evaluating these dynamics, the research identifies legal inconsistencies, such as the tension between Islamic contractual requirements (e.g., certainty of terms) and the flexibility required in contemporary legal systems to adapt to social realities. By analyzing these core concepts through a multidimensional lens, the study develops a comprehensive understanding of how legal, ethical, and social factors converge in the perpetuation of child marriage.

Legally, the study finds that Iranian laws concerning child marriage are both underdeveloped and inconsistently enforced. Article 1041 of the Civil Code sets a nominal floor for marriageable age but includes exceptions that effectively nullify the rule (Zakerhossein, 2022). While Article 50 of the Family Protection Law includes criminal penalties for unauthorized marriages, these are rarely applied, and many judicial actors continue to sanction underage marriages without thorough scrutiny (Abdollahi & Takieh Khah, 2023). In contrast, countries like Indonesia impose criminal sanctions on parents and brokers who facilitate underage marriages without exception (Umi, 2017).

Comparative analysis reveals that other Muslim-majority nations have managed to reconcile Islamic principles with international human rights norms by clarifying judicial discretion, instituting mandatory reporting laws, and criminalizing all forms of coercion (Syarifuddin & Ida, 2023). Iran's failure to implement similar reforms reflects a broader reluctance to challenge traditional authority structures, even when they conflict with child protection principles. The study further reveals that while intermediaries often act in good faith, the lack of a licensing or monitoring system allows many to operate without accountability, especially in rural or informal settings (Grace & Astuti, 2020). Therefore, the research advocates for legal reforms that eliminate exceptions to the marriage age, introduce mandatory training for judicial personnel, and criminalize the role of intermediaries in facilitating unlawful marriages. These measures are critical to ensuring that the legal system serves as a shield rather than a conduit for child marriage. Socially and culturally, the persistence of child marriage is strongly linked to economic instability, gender-based norms, and community-level pressures. In many rural areas, families marry off young daughters as a form of economic relief or to enhance social status, often ignoring the detrimental effects on the child's education, health, and autonomy (Abdollahi & Takieh Khah, 2023; Hashemi Nasab et al., 2021). Cultural narratives that valorize early marriage as a means of preserving family honor or religious piety further reinforce these practices (Zakerhossein, 2022). Intermediaries—especially religious figures—sometimes promote these narratives, citing scriptural precedents that are no longer applicable in modern socio-economic contexts (Hosseini Akbarnajad & Javaheri Arasteh, 2020). However, as Hibertus (2023) and Syarifuddin (2023) demonstrate, these cultural and

religious norms can be transformed through community engagement, parental education, and the promotion of positive role models who delay marriage for education and personal development (Hibertus, 2023; Syarifuddin & Ida, 2023). NGOs and civil society organizations also play a pivotal role in this transformation by providing support services, raising awareness, and lobbying for legal reform (Mohammad & Wahyudi, 2023). Nonetheless, these efforts require governmental cooperation and policy alignment to be effective. The study concludes that without a coordinated effort to address the socio-economic root causes of child marriage, even the most well-crafted legal reforms will fail to achieve their intended impact. As such, legal accountability must be accompanied by public education campaigns and structural reforms aimed at poverty alleviation and gender equality.

In conclusion, this research demonstrates that child marriage is not merely a cultural artifact but a systemic human rights violation perpetuated by legal ambiguity, parental negligence, and institutional complicity. While Iranian law includes nominal protections against underage marriage, these are routinely circumvented through judicial exceptions and lack of enforcement. Parents and intermediaries often act with impunity, shielded by social norms and legal loopholes that prioritize custom over child welfare. The study calls for comprehensive legal reforms that eliminate exceptions to the minimum marriage age, criminalize the actions of all adult facilitators, and strengthen oversight mechanisms. Simultaneously, public education and cultural reorientation are essential to dismantling the societal beliefs that legitimize child marriage. Only by integrating legal, cultural, and economic strategies can societies meaningfully address this complex issue and ensure that every child

has the right to a safe, autonomous, and dignified life.

References

- Abdollahi, A., & Takieh Khah, S. M. R. (2023). Exploring Parental Criminal Liability in Cases of Neglect and Carelessness Toward Vulnerable Children. *Family Counseling and Psychotherapy* VL - 13(1), 163-184. <https://doi.org/10.22034/fcp.2024.138422.2131>
- Agatha, J., Waluyo, S., & Pradoto. (2024). Prevention of minor marriage through strengthening the role of parents. *Cognizance journal*, 4(1). <https://doi.org/10.47760/cognizance.2024.v04i01.005>
- Ashrafikia, M., & Gaharnia, M. T. (2018). Determining the Effects of Criminal Liability of Adults, Adolescents, and Children in Light of Criminological Data from the Perspective of Criminal Sociology. *Sociology Studies*, 11(11), 125-150.
- Grace, E., & Astuti, T. (2020). Criminal Liability Against The Criminal Act of Trafficking Children for The Purpose of Prostitution (Study of Decision No. 1.262/Pid. B/2008/PN. Mdn).
- Hashemi Nasab, F. a.-S., Maqsoodi, S., & Ghanadzadeh, M. (2021). Iranian Social Issues Biannual Journal. *Iranian Social Issues Biannual Journal*, 13(1), 271-291.
- Hibertus, S. (2023). CRIMINAL LIABILITY FOR MARRIED CHILDREN IN RELATION TO CRIMINATION. *European Journal of Political Science Studies*, 6(2). <https://doi.org/10.46827/ejpss.v6i2.1471>
- Hosseini Akbarnajad, H., & Javaheri Arasteh, M. (2020). Criminal Protection of Children Against Abuse in Cyberspace: A Comparative Study of Iranian and English Laws and International Documents. *Legal Research*, 19(44), 107-132.
- Mia, H., Moody, R., Syailendra, L., & Marfungah. (2020). Mediation as an Alternative to Underage Marriage Dispute Resolution. <https://doi.org/10.2991/ASSEHR.K.200917.001>
- Mohammad, N. H., & Wahyudi, W. (2023). Criminal law formulation against underage child marriage. *Trunojoyo Law Review*, 5(2). <https://doi.org/10.21107/tlr.v5i2.20925>
- Mohammadbeigi, A., Asadi, H., & Elhoyi, N. (2022). Comparative Study of Juvenile Criminal Liability in the Islamic Penal Codes of 1996 and 2013. *Interdisciplinary Studies in Jurisprudence Quarterly*(8).
- Najafi Abrandabadi, A. H., Khaleghi, A., & Zeinali, A. H. (2009). Criminal Protection of Children Against Sexual Tourism: From Global Prohibition to Domestic Criminal Justice Responses *JO - Legal Research Journal*. (50), 81-121.
- Syarifuddin, S., & Ida, N. (2023). Peran Mediator Dinas Pemberdayaan Perempuan Dan Perlindungan Anak Provinsi Sumatera Utara Dalam Penyelesaian Diskriminasi Dan Penelantaran Anak Akibat Perceraian Orangtua. *Journal of Education, Humaniora and Social Sciences*, 5(3). <https://doi.org/10.34007/jehss.v5i3.1598>
- Umi, R. (2017). The parental responsibility concept in replacing criminal responsibility of child to parent (the study of indonesian tribes culture in lampung and aga balinese tribes). *Diponegoro Law Journal*. <https://doi.org/10.14710/DILREV.2.2.2017.98-104>
- Yayan, S., Zezen, Z. M., Cucu, S., & Jaenal, A. (2023). Child Exploitation by Parents in Early Marriage: Case Study in Cianjur West Java, Indonesia. *Samarah : jurnal hukum keluarga dan hukum Islam*, 7(3). <https://doi.org/10.22373/sjkh.v7i3.14804>
- Zainuddin, M., & Rosidi, A. (2024). Asas legalitas dalam hukum pidana sebagai sarana penanggulangan perkawinan anak. *Ganec Swara*, 18(1). <https://doi.org/10.35327/gara.v18i1.798>
- Zakerhossein, M. H. (2022). Protection of Child Victims in the International Criminal Court. *Public Law Studies (Law)*, 52(1), 207-229.